

مجله فرهنگ و ادب

حجرت تولید با مشارکت

سال ۱۴۰۳

ماهنامه فرهنگی - هنری / شماره ی ۵۹ / فروردین ماه ۱۴۰۳ / رایگان

حجرت

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: یاسر اصلانی
روابط عمومی: فاطمه محمودی
تحریریه: سهیلاسادات حسینی، فاطمه محمودی، یاسر اصلانی

ماه نامه سایس من

«فرهنگی - هنری»

وابسته به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی



وب سایت: www.sayesman.ir www.totayar.ir

@sayes_man



@totayar.ir

@nashre.tahkim.khanevade



@totayar



طراح جلد و صفحه بندی: فؤاد

رایان نامه totayar@iran.ir

Iea.iran@iran.ir

ماهنامه «سایس من» با وابستگی به انجمن تعلیم و تربیت اسلامی، رسالت خود را در حوزه ی فرهنگ و هنر دنبال می کند. از این رو نام سایس به معنای «ادب آموزنده» را برای خود انتخاب کرده است. تا این سؤال را مدام از خود بپرسد که چه کسی به من ادب آموخت؟. سایس من کیست؟



با عضویت در انجمن تعلیم و تربیت اسلامی زندگی خود را سامان دهید.

انتشارات تحکیم خانواده تولید کننده محتوای استاندارد زیر نظر انجمن

به جان انسان روشنی و طراوت میبخشد و مایه‌ی رشد و تعالی انسان را فراهم میکند. انس با خدا در ماه رمضان نصیب بنده‌ای میشود که دچار غفلت نباشد. نسیم معنوی رمضان چیست؟ «روزه» است. روزه یکی از نسیم‌های رمضان است؛ لیلۃ‌القدر است، مناجاتهای شب و سحر و روز ماه رمضان است، دعای ابوحزمه است؛ اینها همه نسیم‌های معنوی است که بر جان انسان باعزم‌واراده می‌وزد، به او رشد میدهد، به او طراوت میدهد، او را شکوفا میکند؛ شوق معرفت و شوق عمل را در انسان افزایش میدهد؛ انسان را از حالت کسالت معنوی، بی‌تفاوتی معنوی خارج میکند؛ از انسان، عبد صالح میسازد.

شما در ماه رمضان به سوی صلاح سیر میکنید، میشوید عبد صالح. خدای متعال در دنیا هم به عبد صالح وعده داده است که «أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ (۴) این اجر دنیوی عبد صالح است. در آخرت هم «مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا»؛ (۵) آنجا هم عبد صالح در ردیف پیامبران است، در ردیف صدیقین است، در ردیف شهدا است. ماه رمضان یک چنین قدرتی دارد، یک چنین هنری دارد که انسان آگاه را، متوجه را، غیر غافل را در این مراتب معنوی پیش ببرد. امیدواریم ان‌شاءالله ملت عزیز ما و همه‌ی امت اسلامی و همه‌ی بندگان که دلشان با خدا است، از معنویات استفاده کنند، خود را رشد بدهند و پیش بروند.

من امروز یک مطلبی را آماده کرده‌ام درباره‌ی شعار امسال عرض بکنم، و یک مطلبی هم — یکی دو نکته — در زمینه‌ی منافع عمومی و ملی کشور که خوب است به

بیانات نورزوی رهبری



بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و الصَّلَاةُ و السَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ الْأَطْيَبِينَ الْأَطْهَرِينَ الْمُنْتَجِبِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ.

مروز بسیار جلسه‌ی عالی، شیرین و مطلوبی بود. بحمدالله عید همه‌ی شما مبارک! هر سال این دیدار در زیر سایه‌ی بقعه‌ی مبارک حضرت ابالحسن الرضا (سلام الله علیه) تشکیل میشد؛ امسال از این نعمت محرومیم، [لذا] از دور عرض ارادتی بکنیم: «بعد منزل نبود در سفر روحانی».

(۱) أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ وَ قَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ وَ أَلَزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ. (۲) أَلْسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا ابِلْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

مجدداً عید سعید را به همه‌ی شما برادران و خواهران عزیز، به همه‌ی ملت ایران تبریک عرض میکنم. هم‌زمانی بهار طبیعت و بهار معنویت به معنای این است که خدای

عرض ملت ایران برسانیم، عرض خواهیم کرد.

در مورد شعار سال (۶) آن چیزی که به عنوان شعار سال مطرح میشود، انگیزه این است که هم‌تها و فکرها متمرکز به این بخش از راهبرد اساسی کشور بشود. شعار سال معمولاً بخشی از راهبرد اساسی کشور است. از یک طرف برای اینکه توجه مسئولین، هم‌ت مسئولین، تلاش مسئولین متوجه این بخش بشود، و از طرف دیگر افکار عمومی مردم و معرفت عمومی مردم مطالبه کند این معنا را، شعار سال را مطرح میکنیم و این سنت سالها در بین ما رواج داشته است.

درباره‌ی آنچه در این شعار در این چند سال وجود داشته است، توجه و تکیه بر امر اقتصادی است. در سال گذشته ما شعار «مهار تورم و رشد تولید» را مطرح کردیم. گزارشهای رسمی که مورد تأیید هم هست، به ما میگوید که کارهای خوبی در این زمینه انجام شده؛ البته با فاصله‌ی نسبتاً زیادی با آنچه مطلوب ما است. باز هم باید تلاش بشود. لذا من همین‌جا عرض میکنم شعار سال ۱۴۰۲ امسال هم جزو مطالبات ما است، جزو وظایف اساسی ما است، جزو کارهایی است که همه‌ی ما مسئولین و فعالان مردمی بایستی دنبالش باشیم. اما شعار امسال البته برجسته‌تر است. امسال شعار «جهش تولید» است. جهش تولید به نظر کار بزرگ و شاید در نظر بعضی نشدنی بیاید، لکن بنده معتقدم با توجه به بخش دوم این شعار، یعنی «مشارکت مردم»، شدنی است. اگر ما این توفیق را پیدا کنیم که هم‌ت مردم، سرمایه‌ی مردم، ابتکار مردم، حضور جدی آحاد مردم را در عرصه‌ی اقتصادی وارد کنیم، در واقع یک بسیج مردمی در امر اقتصاد بکنیم، تولید هم میتواند به جهش برسد.

خب اقتصاد یکی از مسائل اساسی کشور است. یکی از نقطه‌ضعف‌های ما به دلایل گوناگون، مشکلات اقتصادی است. اگر اقتصاد کشور وضع مطلوبی پیدا نکند، در همه‌ی اوضاع عمومی کشور تأثیر خواهد داشت؛ میتوان گفت در دین و دنیای مردم میتواند اثر بگذارد. [بعضی] نگویند که خب کشورهای هستند از لحاظ ثروت و اقتصاد پیشرفته و وضعشان خوب است لکن وضع مردم خوب نیست، این به خاطر جهت دیگری است؛ چون به عدالت توجه ندارند، چون به اهمیت تعالیم دینی و ایمان دینی توجه ندارند؛ علت بدی وضع مردم این است. به هر حال اقتصاد یک عامل بسیار مؤثری است.

سالها است دشمنان تلاش میکنند که اقتصاد کشور را به زانو دریاورند؛ دشمن به طور جدی [تلاش میکند]؛ ما این را در برخوردهای خصمانه‌ی آمریکا و بقیه‌ی همراهان او در طول زمان احساس کرده‌ایم. مقصودشان فروپاشی اقتصاد ایران است؛ مقصودشان به زانو درآوردن کشور از لحاظ اقتصادی است. البته با هم‌ت جوانان ما و تلاشهای فراوانی که در این کشور از سوی مردم و مسئولین انجام گرفته، دشمن موفق نشد و به حول و قوه‌ی الهی باز هم موفق نخواهد شد. ولی به هر حال دشمن در قضیه‌ی اقتصادی علیه جمهوری اسلامی پیگیر است، فعال است؛ ما هم باید فعال باشیم، باید پیگیر باشیم، بایستی مصمم در این راه حرکت کنیم، با فکر درست و تلاش خستگی‌ناپذیر و شبانه‌روزی.

برای اینکه اقتصاد کشور شکوفا بشود، همه‌ی چرخ‌دنده‌های بزرگ و کوچک کشور باید به کار بیفتد؛ همه باید تلاش کنند؛ هم از زیرساخت‌های کشور استفاده بشود، هم از ابتکارات مردمی استفاده بشود، هم از قدرت مدیریت

همه یک جور نیستند، کمکها همه از یک نوع نیست، اما مجموع کمکها از سوی مردم — که بایستی اینها برنامه‌ریزی بشود — میتواند ما را به این هدفها برساند. (۸) (خیلی ممنون از این اظهار آمادگی). بنده مطمئنم مردم ما آماده‌اند، منتها بایستی راه برای حضور در میدان عمل پیدا بشود و در میدان عمل ان‌شاءالله این آمادگی نشان داده بشود؛ همچنان که در دفاع مقدس نشان داده شد. در دفاع مقدس، مردم آمادگی خودشان را از همه جهت نشان دادند. ما در همه‌ی زمینه‌های مشکل بایستی ان‌شاءالله این کار را انجام بدهیم. البته در باب علم، در باب اخلاق، در باب هنر، در باب فرهنگ، در کارهای مهم دیگر کشور هم همین بسیج عمومی کارگشا است، و لازم است، لکن فعلاً بحث ما در مسئله‌ی اقتصاد است.

بنده معتقدم بخش مردمی و توانایی‌های مردمی بالا است. همین اواخر در همین حسینیه یک نمایشگاهی ترتیب دادند که بنده فعالیت‌های تولیدی بخش خصوصی را و آنچه را مردم با سرمایه‌ی خودشان و با ابتکار خودشان انجام داده بودند، از نزدیک ببینم؛ (۹) من آدم تقریباً چهار ساعت یا شاید بیش از چهار ساعت صرف وقت کردم، مفضلاً این برنامه‌های مردمی را دیدم؛ شگفت‌آور بود، بسیار خوب بود، نشان‌دهنده‌ی ظرفیت بالای توان مردمی در تولید و در ابتکارات اقتصادی بود. بسیاری جوان [بودند]؛ جوانها آمدند اینجا صحبت کردند که با ابتکارات خودشان کارهای بزرگی را در زمینه‌ی اقتصاد انجام داده‌اند. پس ظرفیت وجود دارد، توانایی‌ها وجود دارد، این توانایی‌ها را بایستی استفاده کرد؛ در بخشهایی مثل صنایع بزرگ، مثل بهینه‌سازی مصرف آب، مثل بخش نفت، مثل بخش صنایع دستی، مثل حمل‌ونقل، در همه‌ی اینها، نیروهای جوان و مبتکر و خلاق تلاش

فعالان اقتصادی و فعالان مدیریتی استفاده بشود؛ از نیروهای جوان تحصیل کرده به معنای واقعی کلمه بایستی استفاده بشود؛ از شرکتهای دانش‌بنیان بایستی حمایت بشود؛ اینها همه ابزارهایی هستند، وسایلی هستند که اگر به طور مجموع مورد توجه قرار بگیرند، بدون شک، اقتصاد کشور را به شکوفایی خواهند رساند. البته با تلاش بی‌وقفه‌ی مسئولین که بحمدالله دولت کنونی، دولتی است که از لحاظ تلاش و تحرک و فعالیت، انصافاً نمره‌ی بالایی میگیرد و تلاششان، تلاش خوبی است. خوب این، آن چیزی است که در شعار امسال، مورد نظر ما بوده. ما معتقدیم بایستی بر روی مسئله‌ی اقتصاد تکیه بشود و برای موفقیت در این راه، از مشارکت مردم به معنای واقعی کلمه استفاده بشود؛ میخواهیم همه‌ی نیروها در این راه بسیج بشوند. این هنر مسئولین ما است که بایستی ان‌شاءالله راهش را پیدا کنند و این حرکت را انجام بدهند.

امسال اولین سال شروع برنامه‌ی هفتم توسعه است؛ (۷) برنامه‌ی هفتم امسال شروع میشود. خوب، هدف کلی برنامه‌ی هفتم، شکوفایی اقتصاد، همراه با عدالت است. لکن برای پایان این برنامه اهدافی را ذکر کرده‌اند که این اهداف خیلی مهم است: تکریمی کردن تورم؛ اصلاح ساختار بودجه؛ تحوّل در نظام مالیاتی؛ تولید حداقل نود درصد از کالاهای اساسی در داخل کشور — اینها کارهای بزرگی است — افزایش بهره‌وری آب کشاورزی — که این از مشکلات کشور است و در این برنامه‌ی هفتم مورد توجه قرار گرفته — و طرحهای عظیم ملی بزرگ. خوب، اگر ما بخواهیم به این اهداف دست پیدا کنیم، به نظر من بدون حضور مردم ممکن نیست، بایستی با حضور مردم انجام بگیرد. من میخواهم ملت ایران به این توجه کنند؛ البته هر کسی توانایی‌هایی دارد، همه در یک حد نیستند،

وارد مسائل اقتصادی بکنیم، ممکن است که به سوء استفاده و تبعیض و شکافهای طبقاتی و به فساد و مانند اینها منجر بشود که قبلاً شده؛ البته این نگرانی بجا است. در گذشته کسانی بودند از امکانات دولتی استفاده کردند، از وام استفاده کردند، از ارز استفاده کردند، نه در آن مسیری که باید استفاده میکردند؛ مسیر را عوض کردند، سوء استفاده کردند، فساد به وجود آمده، تبعیض به وجود آمده؛ اینها هست؛ این اقتضا میکند که مسئولین امر چشمشان را باز کنند، دقت کنند و هر کاری که انجام میدهند، با مراقبت کامل انجام بگیرد؛ این جزو چیزهای لازم و اهمات آنها و مراقبتهای ضروری و لازم است. خب این بحث در مورد شعار [سال] و مسائل اقتصاد را به همین جا پایان میدهم و اکتفا میکنم.

یکی دو نکته درباره‌ی مسائل عمومی کشور عرض میکنم. نکته‌ی اول این است که امروز منافع ملی ما و افق روشن آینده‌ی ما وابسته است به «امید» و «ایمان» که من قبلاً درباره‌ی این، یک بحث مفصلی در سال ۱۴۰۲ کرده‌ام. (۱۰) این را میخواهم تأکید کنم: امید و ایمان. اگر فروغ امید در دلها خاموش بشود هیچ حرکتی اتفاق نمی‌افتد. ما این همه ظرفیت برای پیشرفت داریم، این همه جوان مستعد داریم، این ملت آماده‌به‌کار و پای کار را داریم، این منابع کم‌نظیر طبیعی را داریم، این موقعیت جغرافیایی ممتاز را داریم؛ ما میتوانیم پیشرفت کنیم؛ پیشرفتهای بزرگی بکنیم. از اول انقلاب تا امروز هم خیلی پیشرفت کرده‌ایم؛ حالا دشمنان کتمان میکنند، بعضی‌ها هم بیانش را درست بلد نیستند، اما بیش از اینها ما امکان پیشرفت داریم؛ لکن این پیشرفتهای در صورتی امکان‌پذیر است که من و شما به آینده امیدوار باشیم؛ امید داشته باشیم؛ بدانیم میشود پیش رفت، میشود کار کرد، میشود حرکت کرد.

کرده‌اند، کار کرده‌اند، کارهای برجسته‌ای را انجام داده‌اند.

ما البته در زمینه‌ی اقتصاد، تحرک خارجی و بین‌المللی هم داریم و باید داشته باشیم و بدون آن، کار اقتصاد پیش نخواهد رفت. مخاطب من در اینجا دیگر مسئولین محترم دولتی هستند؛ در زمینه‌ی مسائل خارجی بایستی با کشورهایی که ارتباط اقتصادی داریم، این تفاهم‌نامه‌هایی را که امضا میشود و چندان تأثیری ندارد، تبدیل کنند به قراردادهای حقوقی قابل عمل و قابل اجرا که در عمل، اثری داشته باشد؛ باید این را به طور جد دنبال کنند

یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی بهره‌وری است که من واردش نمیشوم؛ اگر عمری بود، در آینده راجع به بهره‌وری صحبت میکنم. بهره‌وری ما در کشور کم است؛ آن مقداری که سرمایه مصرف میکنیم — چه آب، چه برق، چه وقت، چه عمر — به تناسب سرمایه و آنچه مصرف میکنیم، بهره‌مندی و بهره‌وری به وجود نمی‌آید. این کارها، کارهایی است که علاج دارد؛ اینها تجربه‌شده است؛ در این زمینه هم بایستی ان‌شاءالله کارهایی انجام بگیرد

خب، اینها مربوط به مسائل شعار سال بود. البته این شعاری که امسال مطرح کردیم، مربوط به یک سال نیست، مخصوص به یک سال نیست؛ این ادامه دارد. اینها کارهایی هم نیست که در یک سال تمام بشود؛ بایست در امسال — سال ۱۴۰۳ — ان‌شاءالله مسئولین همت کنند گام اول را بردارند، برنامه‌ریزی بکنند و بعد ان‌شاءالله ادامه پیدا بکند. این راجع به این مسئله

البته دغدغه‌ای وجود دارد که بعضی از افرادی که دلسوزانه نسبت به مسائل کشور نگاه میکنند، این دغدغه را دارند که اگر چنانچه ما سرمایه‌های مردم را، امکانات مردم را

است. اینها همه عوامل امیدزا است؛ از اینها پیدا است جوانهای ما فعالند. توانهای تبلیغاتی ما متأسفانه آنچنان رسایی لازم را ندارد که بتواند آنچه را اتفاق می‌افتد، در معرض دید مردم قرار بدهد. اینها همه جلوه‌های امیدزا در کشور است؛ مظهر نشاط کشور است، مظهر امیدواری کشور است. این نشان می‌دهد که مجموعه‌ی ملت ما، بخصوص جوانهای ما، بانشاطند، باتحرکند، باحرکتند، باابتکارند، امیدوارند.

خب، از آن طرف انسان میبیند بعضی افراد به نظر بنده غافل منفی‌بافی میکنند؛ هم وجود امید در جوانها را انکار میکنند، هم سعی میکنند امید را از دلها زایل کنند! چرا؟ این کار به نفع چه کسی است؟ قلمش را به کار می‌اندازد برای اینکه استدلال کند که به آینده نمیشود امیدوار بود! اینها وجود دارد؛ اینها یک چیزهایی است که بنده خودم میبینم. مقاله مینویسد، استدلال میکند که به آینده نباید امیدوار بود؛ خب چرا؟ چرا با این همه عوامل امیدزا نباید امیدوار بود؟ مثل اینکه کمین گرفته‌اند که روح امید را در جوانها از بین ببرند و بمیرانند. سالها است دشمن این کار را دارد میکند [اما] موفق نشده. سالها است با تبلیغات گوناگون، با انواع و اقسام ترفندهای تبلیغی و رسانه‌ای و مانند اینها دارند تلاش میکنند، ضعفهای ما را بزرگ‌نمایی میکنند. خب ما در کشور ضعفهایی داریم، آن را ده برابر بزرگ میکنند؛ پیشرفتهایی داریم، آنها را مسکوت میگذارند، گاهی انکار میکنند! فرض بفرمایید که مسئولین نظامی ما یک ابزار دفاعی را، یک موشک را تولید میکنند، پرتاب میکنند، [اما] در تبلیغات آنها گفته میشود که این دروغ است؛ [در حالی که] پرتاب کردنش جلوی چشم است! یعنی دشمن دارد این کار را میکند اما چرا [بعضی] در داخل کشور این کار را بکنند؟ بعضی از افراد به نظر

عوامل امیدزا هم در کشور بحمدالله کم نیست؛ چیزهایی که در انسان امید ایجاد میکند، در کشور فراوان است؛ همین پیشرفتهای علمی در عرصه‌ی صنعت، در عرصه‌ی سلامت، در عرصه‌ی فضا، در عرصه‌ی سیاست و پیشرفتهایی که در سیاست خارجی داشتیم و آنچه در کشور به صورت امنیّت مورد توجه است؛ امنیّتی که در کشور وجود دارد. در بیست و دوّم بهمن چند میلیون افراد ما در سرتاسر کشور حرکت میکنند، بحمدالله با امنیّت کامل؛ انتخابات صورت میگیرد با امنیّت کامل؛ کمتری جایی در دنیا این ثبات، این امنیّت، این حضور مردمی، این پیشرفتهای سریع و شگفت‌آور وجود دارد؛ خب اینها عوامل امیدزا است. اینها به ما امید میبخشد؛ حسّ عزّت را، حسّ افتخار را در مردم ما تقویت میکند.

همین حالا هزاران گروه جوان در سرتاسر کشور در عرصه‌های مختلف مشغول فعالیتند؛ بعضی را ما به اجمال اطلاع داریم، بعضی را به تفصیل اطلاع داریم. به معنای واقعی کلمه هزاران گروه جوان، پُرتوان، پُرانگیزه، با شوق مشغول کار و تلاشند؛ تحقیقات علمی میکنند، تحقیقات صنعتی میکنند. در صنعت، در کشاورزی فعالیت میکنند. در سلامت، در امور پزشکی کار میکنند؛ کاوشهای علمی میکنند. در حوزه‌های علمیّه جوانهای فاضل و بااستعداد در زمینه‌های معارفی کار میکنند؛ کارهای جدید، حرفهای نو. فعالیتهای فرهنگی در سرتاسر کشور، در جاهای مختلف، در نویسندگی، در تولید کتاب، در شعر، در سینما، در هنر، در نقاشی، در هنرهای تجسمی، در فعالیتهای تبلیغی و دینی، در رونق بخشیدن به فضای جامعه [انجام میگیرد]. این راه‌پیمایی‌های عظیمی که به مناسبت اربعین، به مناسبت اعیاد نیمه‌ی شعبان، غدیر و غیره در سرتاسر کشور انجام میگیرد، کار همین جوانها

اختلاف سیاسی در یک کشور یک امر طبیعی است، اما نفرت پراکنی غیر از اینها است. خب یک نظری شما دارید، یک نظری دیگری دارد، اینها با همدیگر یکسان نیست، اشکالی هم ندارد، اما این نباید موجب نفرت پراکنی بشود، نباید افراد را از یکدیگر متنفر بکند، دشمن یکدیگر بکند، اجازه بدهد که هر کدام علیه یکدیگر، علیه آن دیگری، به هر وسیله‌ای که ممکن است، موجب اهانت و آزار و مانند اینها بشوند؛ احیاناً با افترا و دروغ و مانند این چیزها هم همراه بشود که خب این خیلی مشکل است. به نظر من رقابتهای داخلی به جای خودش محفوظ — البته در داخل کشور در زمینه‌ی مسائل گوناگون سیاسی و غیره، رقابتهایی وجود دارد، این به جای خود محفوظ — اما همه باید با هم باشند، همراه باشند. در یک خانواده ممکن است دو برادر با هم دو سلیقه‌ی مختلف داشته باشند اما برادری‌شان از بین نمیرود؛ کار به دشنام و دروغ و اهانت و مانند اینها نباید بکشد؛ این را همه باید مراقبت کنند. این هم مسئله‌ی اساسی و مهمی است، تأکید میکنم و توصیه میکنم به جوانهای عزیزمان که سعی کنند در داخل جامعه نفرت پراکنی انجام نگیرد. خب اختلاف سلیقه‌ای وجود دارد، اشکالی هم ندارد اما همه با هم برادروار در کنار هم، روی مسائل کلی جامعه و در مقابله و مواجهه‌ی با مخالفین کشور، مخالفین جمهوری اسلامی، مخالفین ملت ایران، یکسان بایستند و حرکت کنند.

در مسائل مهم بین‌المللی، امروز مسئله‌ی درجه‌ی یک، مسئله‌ی فلسطین و غزه است؛ در این زمینه هم من چند جمله‌ای را عرض میکنم. «مقاومت» در منطقه‌ی غرب آسیا امروز مسئله‌ی اساسی‌ای است که دنیا را به خودش متوجه کرده. از چند زاویه میشود به مسئله‌ی فلسطین نگاه کرد.

من این غفلت را [میکند]؛ ما نبایستی به خودمان اجازه بدهیم این غفلت را [بکنیم]، نباید این خطا را مرتکب بشویم.

من به جوانهای عزیز توصیه میکنم، میگویم جوانها جلوتر از نقشه‌ی دشمن حرکت کنند؛ جوانها جلوتر از نقشه‌ی دشمن حرکت کنند. دشمن میخواهد مأیوس کند شما را، شما بیش از آنچه او برای ناامید کردن تلاش میکند، تلاش کنید برای ایجاد امید، برای شکوفایی امید در دلهای جوانها. دشمن، هم در سطح ملی، هم در سطح بین‌المللی، میخواهد بعضی از صداها به گوشها نرسد؛ شما علی‌رغم دشمن این صداها را به گوشها برسانید. امروز ابزارهای گوناگونی در اختیار همه هست. این یک نکته بود.

نکته‌ی بعدی در باب منافع ملی، مسئله‌ی اتحاد دلهای مردم است؛ اتحاد عزمها و اراده‌های مردم است. ما در این زمینه متأسفانه مشکلاتی داریم، عقب‌افتادگی‌هایی داریم؛ ارتباط و همدلی اجتماعی خیلی مهم است؛ در این زمینه دچار غفلت شدیم؛ خودمان به دست خودمان در وحدت ملی مان اختلال ایجاد میکنیم. همه‌ی ما در این غفلت شریکیم؛ همه‌ی ما وظیفه داریم که وحدت ملی را، اتحاد مردم را، اتحاد مردم و مسئولین را حفظ کنیم؛ روزبه‌روز آن را تقویت کنیم؛ این سیاست قطعی نظام جمهوری اسلامی از روز اول بوده است. امام بزرگوار از روز اول روی یکی از چیزهایی که همیشه تکیه میکرد، مسئله‌ی «اتحاد» بود. بعضی‌ها با یکدیگر سر مسائل جناحی، مسائل سیاسی اختلاف پیدا میکردند، امام (رضوان الله علیه) به اینها نهیب میزد و میگفت: «هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا بزنید». (۱۱) اختلاف فکری، اختلاف سلیقه،

با این ظلمِ مستمرّ دائمی جنایت‌کاران صهیونیست علیه ملت فلسطین و حامیان فلسطین است.

اگر [از یک زاویه‌ی دیگر به این مسئله نگاه کنیم] می‌بینیم که در این چند ماه اخیر، جبهه‌ی مقاومت از وضع واقعی خود رونمایی کرد. شاید نه آمریکایی‌ها، نه غربی‌ها، نه دولتهای منطقه، قدرت مقاومت و توانایی مقاومت در این منطقه را آن طوری که واقعاً وجود داشت و وجود دارد نمیدانستند؛ حالا فهمیدند. این مقاومت فلسطین را شما نگاه کنید! این صبر مردم مظلوم غزه را ببینید! این اراده و انگیزه‌ی مبارزان مقاومت فلسطینی از حماس و بقیه‌ی گروه‌ها را مشاهده کنید! این قدرت اراده در مقاومت را، در لبنان، در یمن، در عراق ببینید! این مقاومت، این [جور] است. مقاومت از وجود واقعی خود، از توانایی‌های خود، از وضع خود رونمایی کرد؛ به دنیا نشان داد که مقاومت یعنی چه. همه‌ی محاسبات آمریکا را اینها به هم ریختند. آمریکایی‌ها در این منطقه درصدِ آن بودند که با حضور خودشان بر همه‌ی اوضاع و احوال این منطقه حاکمیت پیدا کنند؛ چه در عراق، چه در سوریه، چه در لبنان، چه در همه‌ی منطقه؛ با یک محاسبه‌ی غلط، یک چنین فکری می‌کردند؛ قدرت مقاومت این محاسبه را به هم ریخت؛ نشان داد که چنین چیزی ممکن نیست و آمریکایی‌ها نمیتوانند در این منطقه بمانند؛ ناچارند منطقه را تخلیه کنند.

یک نکته‌ی دیگر، یک زاویه‌ی دیگر برای دیدن این مسئله این است که وضعیّت رژیم صهیونیستی هم برای همه روشن شد؛ معلوم شد که رژیم صهیونیستی نه فقط در حفاظت از خود دچار بحران است، بلکه در بیرون آمدن از بحران هم دچار بحران است؛ در باتلاق گیر میکند،

اولاً قضایای غزه نشان داد که چه ظلمی و چه ظلمتی بر دنیا حاکم است. این دنیای غرب، این دنیای به‌اصطلاح متمدن که ادعای حقوق بشر و امثال اینها میکنند، نشان دادند که چه ظلمتی بر زندگی اینها، بر افکار اینها، بر عمل اینها حاکم است. بیش از سی هزار نفر قتل‌عام میشوند، از کودک نوزاد تا نوجوان‌ها، تا جوانها، تا پیرها، زن، مرد، تا بیمارها؛ در ظرف مدّت کوتاهی سی و چند هزار نفر از اینها نابود میشوند، خانه‌هایشان خراب میشود، زیرساخت‌های کشورشان از بین میرود، دنیای متمدن نگاه میکند؛ نه فقط جلوگیری نمیکند، کمک هم میکند! در همان روزهای اوّل تهاجم وحشیانه‌ی رژیم صهیونیستی به مردم غزه، آمریکایی‌ها مرتب رفت‌وآمد کردند، اروپایی‌ها یکی پس از دیگری دائماً رفت‌وآمد کردند، همراهی خودشان و پشتیبانی خودشان را از جنایت‌کاران صهیونیست نشان دادند، صریحاً اعلام کردند؛ فقط هم اعلام نبود، سلاح فرستادند، امکانات فرستادند، انواع و اقسام کمک‌ها را کردند. ظلمت دنیای امروز این است؛ ما امروز با این دنیا مواجهیم. این یک نگاه؛ این نگاه از یک زاویه که نشان‌دهنده‌ی وضعیّت دنیای امروز بود.

از زاویه‌ی دیگر که نگاه کنیم، این قضیه، حقانیت تشکیل جبهه‌ی مقاومت را نشان داد. بعضی مطرح میکردند که خب این جبهه‌ی مقاومت در غرب آسیا چه لزومی داشت؛ نشان داده شد که حضور جبهه‌ی مقاومت در این منطقه جزو حیاتی‌ترین مسائل است؛ روزبه‌روز هم بایست این جبهه‌ی مقاومت تقویت بشود. طبیعی است انسانهایی که وجدان بیدار دارند در این منطقه، وقتی ظلم صهیونیست‌ها را می‌بینند — که هفتاد سال است این ظلم ادامه دارد — ساکت ننشینند، آرام ننشینند، به فکر مقاومت بیفتند؛ تشکیل جبهه‌ی مقاومت برای این است؛ برای مواجهه‌ی

امکان داشته باشد، از گروه‌های مقاومت حمایت و پشتیبانی هم می‌کنیم، از کار آنها تمجید هم می‌کنیم، اما آنها خودشان هستند که دارند تصمیم می‌گیرند و حرکت می‌کنند و در این حرکت، حق با آنها است. ما معتقدیم به وسیله‌ی وجود رژیم صهیونیستی، ظلم بزرگی در منطقه دارد انجام می‌گیرد؛ این ظلم بسیار بزرگی است که ده‌ها سال است این ظلم ادامه دارد؛ این ظلم باید قطع بشود. هر کسی در این جهاد بزرگ — جهاد انسانی، جهاد اسلامی، جهاد وجدانی — وارد بشود، ما طرفدار او هستیم، از او حمایت می‌کنیم، به او کمک می‌کنیم و به توفیق الهی، به حول و قوه‌ی الهی به مقصود خودمان هم نائل خواهیم شد.

والسّلام علیکم و رحمۀ الله و برکاته

- (۱) حافظ. دیوان، غزلیات؛ «گرچه دوریم به یاد تو
«سخن می‌گوییم / بعد منزل نبود در سفر روحانی
(۲) کامل‌الزیارات، ص ۳۹
(۳) مولوی. مثنوی معنوی، دفتر اول. اشاره به حدیث
«اغْتَنِمُوا بَرْدَ الرَّبِيعِ فَإِنَّهُ يَفْعَلُ بِأَبْدَانِكُمْ مَا يَفْعَلُ بِأَشْجَارِكُمْ»؛
بحارالانوار، ج ۵۹، ص ۲۷۱
(۴) سوره‌ی انبیاء، بخشی از آیه‌ی ۱۰۵؛ «... زمین را
«بندگان شایسته‌ی ما به ارث خواهند برد
سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۶۹ (۵)
(۶) «جهش تولید با مشارکت مردم». رک: بیانات به
(مناسبت آغاز سال جدید (۱/۱/۱۴۰۳)
(۷) برنامه‌ی هفتم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران از
سال ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷
» (۸) شعار حضار: «ای رهبر آزاده آماده‌ایم آماده

نمی‌تواند خودش را نجات بدهد. ورود رژیم صهیونیستی در غزه برای او ایجاد باتلاق کرد؛ امروز اگر از غزه بیرون بیاید، شکست خورده، بیرون هم نیاید، شکست خورده؛ وضع رژیم صهیونیستی این‌جوری است. همین تناقضی که در تصمیم‌های آنها وجود دارد و سرگیجه‌ای که به آن دچار هستند، موجب شده در داخل رژیم صهیونیستی اختلافات عمیق بین مسئولین رژیم صهیونیستی، بین خودشان به وجود بیاید که نتوانند تصمیم بگیرند؛ امروز رژیم صهیونیستی نمی‌تواند تصمیم بگیرد؛ این او را به سقوط هر چه بیشتر ان‌شاءالله نزدیک می‌کند.

و اما آمریکا. آمریکا در مسئله‌ی غزه بدترین وضعیتی ممکن را [پیش] گرفت؛ آمریکا بدترین وضعیتی ممکن را در منطقه‌ی غزه انتخاب کرد؛ کاری کرد که در همه‌ی جهان منفور شد. این کسانی که در خیابانهای لندن و پاریس و بقیه‌ی کشورهای اروپایی و خود آمریکا به نفع فلسطین تظاهرات می‌کنند، اینها در واقع اعلام نفرت از آمریکا می‌کنند؛ آمریکا در دنیا منفور شد؛ در منطقه منفور بود، ده برابر بیشتر منفور شد. هم فهمشان از مسائل منطقه غلط است، هم تصمیم‌هایشان که بر اساس این فهم می‌گیرند غلط است. در هر کجای این منطقه — در یمن، در عراق، در سوریه، در لبنان — هر اقدامی از سوی نیروهای مبارز و شجاع مقاومت انجام می‌گیرد، آمریکایی‌ها در محاسباتشان آن را به ایران نسبت می‌دهند؛ قطعاً این محاسبه‌ی غلط، آمریکا را بالاخره به زانو درخواهد آورد. مردم را نمی‌شناسند؛ به ملت‌ها و به جوانهای شجاع این ملت‌ها هم اهانت می‌کنند؛ اینها خودشان اهل فکرند، اهل اراده‌اند، عزم راسخ دارند، شجاعند.

ما البته از مقاومت دفاع می‌کنیم. ما تا آنجایی که برایمان

گزارش تصویری دیدار شاعران با رهبری



@sayes_man اینستاگرام @totayar.ir

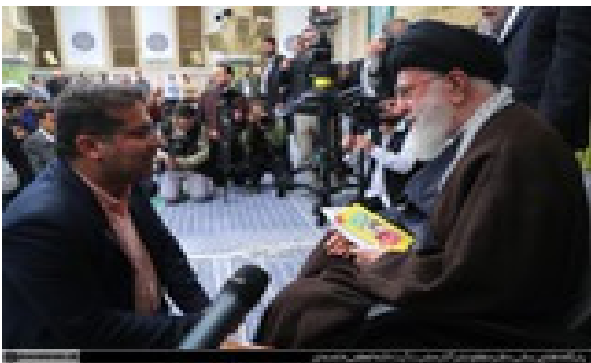
@totayar سروش و ایتا و آی گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

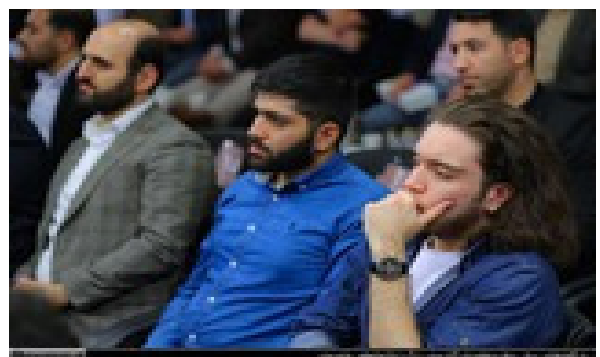
www.sayesman.ir



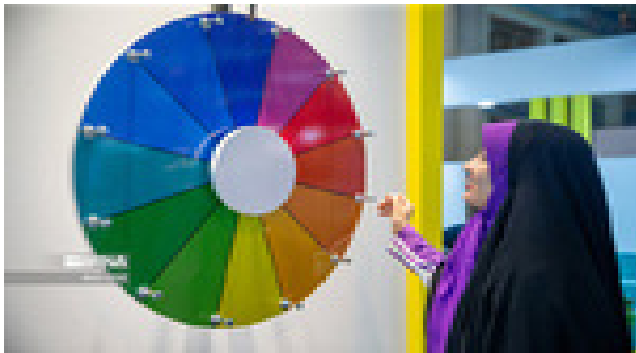








گزارش تصویری از نمایشگاه بین المللی کتاب



خطبه‌های نماز عید فطر



(بسم الله الرحمن الرحيم ۱)

و الحمد لله رب العالمين. الحمد لله الذي خلق السماوات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون. و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين سيما بقيه الله في الارضين و صل على ائمة المؤمنين و هداة المتقين و حماة المؤمنين. اللهم اني استغفرک و اتوب اليک و احمدک

عید سعید فطر را به همه‌ی امت اسلامی و به ملت عزیز ایران و به شما نمازگزاران تبریک و تهنیت عرض میکنم. ابر رحمت الهی یک ماه تمام بر امت اسلامی بارید. رحمت الهی و ضیافت الهی، در این یک ماه، شامل حال همه‌ی آحاد امت اسلامی بود. ملت عزیز ایران از این ضیافت الهی، به قدر وسع و توان خود، حداکثر استفاده را بحمدالله توانست انجام بدهد و جشنهای اول سال شمسی و آغاز فروردین را با معنویت ماه مبارک رمضان متبرک کرد. جلوه‌ی قرآن در سراسر این ماه چشمگیر بود. یکی از نقطه‌های برجسته‌ی ماه رمضان امسال بحمدالله شیوع تلاوت قرآن در بین اقشار مختلف مردم در

سراسر کشور بود که از همیشه درخشان‌تر و زیباتر جلوه کرد و رسانه‌ی ملی هم در ارائه‌ی این پیشرفت بزرگ، نقش ایفا کرد. خدای متعال را باید شکرگزار باشیم که روزبه‌روز جلوه‌ی قرآن و انس با قرآن در کشور افزایش پیدا میکند. محافل ذکر، محافل دعا و تضرع و مناجات، در سرتاسر ماه، بخصوص در لیالی مبارک قدر، جلوه‌های دیگری از معنویت این ماه عزیز بود و ضیافت الهی را برای مردم عزیز ما زیباتر و مطلوب‌تر قرار داد و مردم ما توانستند از این ضیافت بحمدالله استفاده کنند.

ماه مبارک رمضان فرصت بزرگی است؛ از این فرصت خیلی‌ها بیشترین استفاده را کردند، آحاد ملت هم بحمدالله بهره بردند. توصیه‌ی موکد ما این است که این ذخیره‌ی معنوی را برای خودتان حفظ کنید؛ بخصوص جوانهای عزیز ما. بحمدالله جامعه‌ی جوان کشور میل به دین‌داری و توجه و ذکر و دعا دارد؛ این فرصت بزرگی است. در ماه رمضان از این فرصت استفاده شد؛ این را برای خودتان حفظ کنید؛ این را به عنوان یک ذخیره‌ی معنوی برای خودتان به حساب بیاورید.

مسئله‌ی روزه بسیار مهم است. آنچه امسال به بنده خبر داده میشود، این بود که گاهی تظاهر به روزه‌خواری، در بعضی از معابر شهر تهران و دیگر شهرها دیده شد. یقیناً نظام جمهوری اسلامی درصدد آن نیست که کسانی را بزور وادار به دین‌داری کند اما در مقابل هنجارشکنی دینی هم وظیفه دارد؛ نباید کوتاهی کنیم، و مسئولین و آحاد مردم و آمرین به معروف و ناهین از منکر، در این زمینه وظیفه‌ی خودشان را باید انجام بدهند. امیدواریم ان‌شاءالله این سرمایه‌ی عظیم دین و معنویت در کشور، برای این ملت همیشه حفظ شود، باقی بماند که مایه‌ی عزت است، مایه‌ی سربلندی است و مایه‌ی کامروایی در امور دین و دنیا است.

عمل نکردند. بعضی زبانی یک چیزی در حمایت از مردم گفتند اما در عمل نه فقط مانع نشدند بلکه بسیاری از آنها کمک هم کردند؛ مخصوصاً دولت مستکبرِ ظالمِ آمریکا و [دولت] انگلیس. دولتهای غربی در حوادث امسال، ذات شریر تمدن غربی را علناً به دنیا نشان دادند.

ماها می‌گفتیم، منتقدین تمدن غربی بارها تکرار می‌کردند، می‌گفتند که این تمدن بر پایه‌ی شرارت بنا شده، بر پایه‌ی جدایی و عناد با معنویت و فضایل معنوی و ارزشهای معنوی بنا شده است؛ از آن انتظار خیر نمیشود داشت؛ این را همه می‌گفتند، اما در حوادث این شش ماه گذشته در مسئله‌ی غزه و فلسطین، خود دولتهای غربی این ذات شریر را در مقابل چشم همه‌ی دنیا قرار دادند؛ نشان دادند که این تمدن چه تمدنی است؛ کودک میکشند در آغوش مادر، بیمار میکشند در بیمارستان؛ زورشان به مقاومت و مردان مقاومت نمیرسد، می‌افتند به جان خانواده‌ها، به جان کودکان و مظلومان، به جان پیرمردها؛ سی و چند هزار انسان بی‌دفاع را در این شش ماه، اینها به قتل رساندند. کجا هستند آن کسانی که آهنگ ناهنجارشان درباره‌ی حقوق بشر گوش دنیا را کر میکند؟ کجایند؟ چرا اینجا را نمی‌بینند؟ اینها بشر نیستند؟ اینها حقوق ندارند؟ این راجع به آنها

اما خود رژیم خبیث که سر تا پا خبث و شرارت و خطا است، یک خطای دیگری هم بر خطاهای خودش اضافه کرد و آن، حمله‌ی به کنسولگری ایران در سوریه بود. (۳) کنسولگری و دستگاه‌های سفارت در هر کشوری که وجود دارد، به منزله‌ی خاک همان کشوری است که سفارت متعلق به او است؛ وقتی به کنسولگری ما حمله می‌کنند، مثل اینکه به خاک ما حمله کرده‌اند؛ این عرف دنیا است. رژیم خبیث اشتباه کرد در این قضیه؛ باید تنبیه بشود و تنبیه خواهد شد.

پروردگارا! به محمد و آل محمد جوانان ما را، مردم ما را، زنها و مردهای ما را در صراط مستقیم حق ثابت قدم بدار
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ * اللّٰهُ الصَّمَدُ * لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ * وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ. (۲)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و الحمد لله رب العالمین نحمده و نستعینه و نستغفره و نتوب الیه و نصلی و نصلّم علی حبیبه و نجیبه سید الانبیاء و المرسلین ابی القاسم المصطفی محمد و علی آله الاطیبین الاطهرین المنتجبین لا سیما امیر المؤمنین علی بن ابی طالب و الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنّة و علی بن الحسین سید العابدین و محمد بن علی باقر علم الاولین و آخرین و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر الکاظم و علی بن موسی الرضا و محمد بن علی الجواد و علی بن محمد الهادی و حسن بن علی الزکی العسکری و الحجّة القائم المهدی صلوات الله و سلامه علیهم و علی امّهم الصّدیقه الطّاهره المعصومه المطهره و حشرنا الله معهم

بار دیگر این فرصت مبارک را، فرصت عید فطر را به همه‌ی شما عزیزان تبریک و تهنیت عرض میکنم

آنچه در این خطبه لازم میدانم روی آن تکیه بکنم، عبارت است از اینکه امسال ماه رمضان حوادث خون‌بار غزه کام مسلمانان را در سراسر جهان تلخ کرد. لعنت خدا بر رژیم غاصب صهیونیست که در این ماه مبارک، نه فقط دست از کشتار زنان، کودکان، مردم بی‌دفاع برداشت بلکه آن را تشدید هم کرد. دولتهای غربی در طول این سالهای متمادی همیشه رژیم غاصب را کمک کردند، پشتیبانی کردند؛ در محافل جهانی از او حمایت کردند؛ انواع و اقسام کمکها را به او رسانده‌اند؛ حق این بود که دولتهای غربی در این قضیه‌ی مهم، در این حادثه، در این فاجعه می‌آمدند و جلوی او را می‌گرفتند، مانع میشدند، [اما] مانع نشدند، به وظیفه‌شان

(بِالصَّبْرِ. ۵)

وَالسَّلَامِ عَلَيكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

(۱) این نماز در مصلای امام خمینی (ره) تهران اقامه

گردید.

(۲) سوره‌ی اخلاص؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان. بگو

او خدایی است یکتا؛ خدای صمد؛ نه کس را زاده، نه زاییده

» از کس، و او را هیچ همتایی نباشد

(۳) در تاریخ سیزدهم فروردین‌ماه، جنگنده‌های رژیم

صهیونیستی با چندین موشک، بخش کنسولی سفارت ایران

در شهر دمشق سوریه را — که در مجاورت ساختمان سفارت

قرار دارد — هدف قرار دادند که منجر به شهادت هفت نفر از

مستشاران نظامی ایران (از جمله، سردار محمدرضا زاهدی،

سردار محمدهادی حاج‌رحیمی، و همراهانشان) و زخمی

شدن تعدادی دیگر گردید

(۴) پیام به مناسبت شهادت سرلشکر پاسدار محمدرضا

(زاهدی و هم‌زمان ایشان) (۱۴۰۳/۱/۱۴)

(۵) سوره‌ی عصر؛ «به نام خداوند رحمتگر مهربان. سوگند

به عصر [غلبه‌ی حق بر باطل]، که واقعاً انسان دستخوش

زیان است؛ مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و

»همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند

ما البتّه داغدار شهیدانمان شدیم؛ شهیدانی از قبیل شهید زاهدی، شهید رحیمی و دیگر همراهانشان. بنده قبلاً هم عرض کردم، (۴) اینها عاشق شهادت بودند؛ اینها چیزی از دست ندادند؛ خوشا به حالشان! اینها کسانی بودند که یک عمر دنبال شهادت دویدند؛ خدا به آنها این اجرت را داد به خاطر جهادشان؛ خوشا به حالشان! ما داغدار شدیم، اما آنها کامیاب شدند، آنها توانستند به مقصود خودشان برسند؛ هم آنها، هم شهدای امنیّت در بلوچستان؛ این جوانان عزیزی که از مرزهای کشور دارند حراست میکنند و جانشان را کف دستشان گرفته‌اند؛ ملت داغدار اینها است. خدای متعال به ملت ایران قوّت بدهد، اجر بدهد، صبر بدهد، توفیق بدهد، ملت ایران را به همه‌ی آرزوهای بزرگ ملی و مردمی خود برساند

من بر «وحدت کلمه» تأکید میکنم. مردم عزیز، جوانان عزیز، فعالان سیاسی، فعالان اجتماعی، فعالان رسانه‌ای! بدانید توفیق در توحید کلمه است، توفیق در وحدت کلمه‌ی ملت ایران است. اختلاف نظر دارید، داشته باشید؛ اختلاف نظر سیاسی و غیر سیاسی اشکالی ندارد، اما درگیری و یقه‌گیری و وحدت را شکستن و دودستگی‌ها و دوگروهی‌های جعلی درست کردن، به زیان کشور است، به زیان دین شما است، به زیان دنیای شما است، به زیان قوّت شما است

پروردگارا! به محمد و آل محمد، بهترین خیرات را به این ملت عنایت کن، این ملت را بر دشمنانش پیروز کن. پروردگارا! این ملت را دشمن شاد مکن. پروردگارا! روح مطهر امام بزرگ ما و شهیدان عزیز ما را از این ملت و از آنچه انجام میدهیم راضی و خشنود کن؛ قلب مقدّس ولّی‌عصر را از ما راضی کن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * وَالْعَصْرِ * إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ *
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا

•••••
 • @totayar.ir اینستاگرام @sayas_man
 • @totayar سروش و ایتا و آی گپ
 • تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹
 • www.totayar.ir
 • www.sayasman.ir
 •••••

هایشان بزرگ شده و راه زندگی خود را به غلط انتخاب کرده اند.

بله این اصلی ترین معضلی است که جامعه از آن رنج می برد. غفلت از تربیت که خود مسبب بسیاری از بزه های اجتماعی است. تربیتی که از تکالیف دینی مان می باشد و پدر و مادر در محیط خانواده عهده دارش هستند. آنجا که خداوند در آیه ی ششم سوره ی تحریم می فرماید: “ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده ی خود را از آتشی که هیزم آن مردمان (گنه کار) و سنگ ها هستند، حفظ کنید.” یعنی “اولین گام در اصلاحات، اصلاح خود و بستگان و سپس اصلاح جامعه است و تربیت دینی فرزندان، بر عهده ی مدیر خانواده است” (قرائتی، ۱۴۰۱، ج ۱۰، ص. ۱۳۱) و در آیه ی ۲۶ سوره ی طور آمده است: “گویند: ما پیش از این (در دنیا) نسبت به خانواده ی خویش خیرخواه بودیم (و آنان را از عذاب الهی هشدار می دادیم). بدین معنا که “انسان باید نسبت به خانواده ی خود، توجه و تعهد و دغدغه و سوز داشته باشد” (قرائتی، ۱۴۰۱، ج ۹، ص. ۲۸۹).

بر همین اساس امام سجاده در رساله ی حقوق خود می فرمایند: “حق فرزندان آن است که بدانی او از توست و خیر و شر او در همین دنیا به تو نسبت داده می شود و تو نسبت به تربیت شایسته ی او و راهنمایی اش به سمت و سوی خدا و کمک به خداپرستی اش مسئولی و در این مورد، پاداش یا کیفر داده خواهی شد. پس در کار تربیت فرزند، چنان رفتار کن که اگر در این دنیا آثار خوب داشت، مایه ی آراستگی و زینت تو باشد و با رسیدگی شایسته ای که نسبت به او داشته ای، نزد پروردگارت اجر “و حجت داشته باشی

امید است فیلمسازان دغدغه مند که علاقمند به طرح موضوعات اجتماعی هستند با دقت بیشتری فیلمنامه

کت چرمی و مرد بازنده

از نگا تربیتی

سهیلا سادات حسینی: فیلم سینمایی کت چرمی را می توان تکرار فیلم سینمایی مرد بازنده که تهیه کنندگی هر دو را کامران حجازی فر برعهده داشت، محسوب کرد. محمد حسین مهدویان پس از کارگردانی مرد بازنده، در سمت مشاور کارگردان فیلم کت چرمی نیز ظاهر گردید. همچنین جواد عزتی به عنوان نقش اول هر دو فیلم دارای شخصیتی است که در زندگی کاری خود بسیار مسئولیت پذیر است. وی بصورت انفرادی و بدون هماهنگی با بالادستی های خود به مبارزه با معضلات اجتماعی می رود و زندگی شخصی نابسامانی دارد.

اینطور به نظر می رسد که این فیلم ها مسائل اجتماعی ای را مطرح می کنند که عده ای چون از وجود این آسیب ها نفع می برند روند قانونی رسیدگی به آن ها را مختل می نمایند؛ اما آنچه که در بطن این پوستین ظاهری مخاطب را درگیر می نماید، غفلت والدین از تربیت فرزندان شان است. هر چند این والدین افرادی فرهیخته و دارای جایگاه اجتماعی باشند. به طوریکه هیچ شناختی از فرزندان شان ندارند و نتوانستند با مدیریت صحیح خود، خانواده شان را حفظ نمایند. شخصیت های اصلی هر دو فیلم افرادی دارای هوش و قدرت تشخیص بالا نشان داده می شوند و پیگیری شان نتایج درخشانی را به همراه دارد. لکن متأسفانه این توانمندی ها را فقط در محیط کارشان به کار گرفته اند و خانواده ی خود را به دست فراموشی سپرده اند و زمانی بیدار می شوند که بچه

جواد عزتی با سخنان خود نشان داد که برای مخاطب احترام بسیاری قائل است آنجا که گفت: "فکر می‌کنم فحاشی وجود ندارد اگر هم فحاشی در فیلم بوده است. من عذرخواهی می‌کنم." چه تفاوت فحاشی!! او در سراسر فیلم سینمایی تمساح خونی به تهیه کنندگی کامران حجازی، تمام تلاشش را کرد که از موقعیت‌ها، عکس العمل‌ها و حتی گریه‌هایش خنده بگیرد. خنده‌ای بدون زهر که صدایش به راحتی سالن سینما را پر می‌کند. خنده‌ای با هم، نه به هم

هر چند داستان کلی فیلم به نویسندگی پدram افشار نخ نما شده بود؛ اما ضمن ضد فرهنگ نبودن، خالی از پیام فرهنگی نیز نبود. او از تجارب بازیگری‌اش به راحتی عبور نکرد و در انتخاب بازیگرانی همچون عباس جمشیدی فر، سعید آقاخانی، الناز حبیبی، بهزاد خلج، شبنم قربانی بهره لازم را برد. همچنین حضور افتخاری: پژمان جمشیدی، کامبیز دیرباز، مهدی حسینی‌نیا، مهران غفوریان، هومن حاجی‌عبداللهی و... در دقایق ابتدایی تماشاگر را به وجد آورد. حدود یک سوم انتهای هیجانانگیز و خنده‌ها کاهش یافت و دیالوگ‌ها در تیتراژ پایانی نیز ایده‌ی خوبی بود.

امید است سینمای ایران بیشتر شاهد فیلم‌های اینچنین جسورانه باشد که بیایند و در حالیکه برخلاف آب‌شنا می‌کنند خود را به همه بقبولانند طوریکه مورد تحسین تمام اهالی سینما و رسانه از هر طیفی قرار بگیرند.

@totayar.ir اینستاگرام @sayas_man

@totayar سروش و اینا و آی‌گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayasman.ir

هایی پرمحتوا را گزینش نمایند و صرفاً به بیان معضلات نپرداخته بلکه در ریشه‌یابی آسیب‌ها، اهمیت تربیت را که از عوامل اصلی ناهنجاری‌های اجتماعی است با ژرف‌نگری بیشتری، دلسوزانه به تصویر بکشند.

شنای برخلاف جهت تمساح خونی

سهیلا سادات حسینی: پس از آنکه در سال‌های اخیر سینمای کمدی ایران برخلاف آیات صریح قرآن که می‌فرماید: "باید گروهی گروه دیگر را مسخره کنند ... و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و با لقب‌های زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید..." (سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۱) در حرکت بود و متأسفانه عده‌ای هم آگاهانه یا ناآگاهانه صرفاً با نگاه به میزان فروش مؤیدشان بودند؛ زیرا آن‌ها را ناجی صنعت سینما می‌دانستند. می‌توان گفت هوشمندانه‌ترین کار جواد عزتی کارگردان فیلم سینمایی تمساح خونی، تغییر این روند نامبارک در سینمای ایران بود. سینمایی که این کارگردان جوان نشان داد اینطور که دست اندرکاران و طرفداران چنین آثاری مدعی‌اند، تنها راه خندانند ایرانیان بهره‌گیری از کلمات رکیک، تمسخر و شوخی‌های نامربوط نیست. طوریکه دیدن این آثار به اصطلاح کمدی برای خانواده‌هایی با دغدغه‌های تربیتی غیرممکن بود؛ زیرا مشخص نمی‌کرد هر لحظه ممکن است، کدام زیربنای تربیتی هدف گرفته شود و کدام عمل قبیح اجتماعی، خانوادگی، عرفی، شرعی و ... عادی‌سازی گردد.

جواد عزتی با سخنان خود نشان داد که برای مخاطب

فرهنگ و سنت رمضان در کشورهای اسلامی؟

کشورها و فرهنگ های مختلف این ماه مبارک را بر اساس آداب و سنن خاص خود جشن می گیرند. در حالی که کشورهای دارای فرهنگ اسلامی به عنوان دین رسمی کشورشان ماه رمضان را جشن می گیرند، بسیاری از مسلمانان در سراسر جهان در سنت های رمضان شرکت می کنند. مسلمانان در کشورهای غربی این ماه مبارک را با شور و اشتیاق سنتی خاص خود جشن می گیرند. جشن های رمضان در سراسر دنیا مانند انگلیس، کانادا، ایالات متحده و استرالیا و برخی از کشورهای اروپایی نیز برگزار می شود.

سنت های غذایی ماه رمضان در سراسر جهان

هر فرهنگی غذاهای خاصی دارد که معمولاً برای افطار و سحری طبخ می شود، زیرا ارزش غذایی آن ها یا سال ها سنت است. در خانه های آسیای جنوبی، وعده افطار شامل سمبوسه، پاکورا یا باجی پیاز به عنوان پیش غذا است. پس از آن بریانی، مرغ کاری، گوشت یا سبزیجات با چاپاتیسی یا برنج آمده است بعضی از مردم برای وعده افطار خود ماهی دوست دارند.

در مصر، مردم از «خچاف»، مربای میوه ای که با خرما، انجیر و سایر میوه ها برای صبحانه یا سحری درست می شود، لذت می برند. قطایف دسر بسیار متداول و معروف مصریان در ماه رمضان است. کمی شبیه به پنکیک است، اما پُر شده با آجیل، به عنوان یک غذای خاورمیانه ای قابل توجه است.

سیمای سیما در ماه مبارک رمضان

سهیلا سادات حسینی: کارنامه ی سیما در ماه مبارک رمضان که مقارن با عید نوروز ۱۴۰۳ بود، توانست رضایت نسبی مخاطبان را بدست آورد. برنامه ی زندگی پس از زندگی در فصل پنجمش باز هم مخاطبان بیشتری را با خود همراه کرد و گام های جدیدی را در تحقیقات تجربیات نزدیک به مرگ برداشت. وقایعی که تا کنون در هیچ کجای دنیا ثبت نگردیده بودند. برنامه ی محفل در فصل دوم نیز با تغییر در فضا سازی محل برگزاری و حضور حضار بیشتر، موفق شد باری دیگر قرآن را با فضایی مفرح وارد محفل خانواده ها نماید. سریال تلویزیونی زیرخاکی در فصل چهارمش با درخشش مجدد زوج هنری پژمان جمشیدی و ژاله صامتی توانست موفقیت دیگری را رقم بزند و در نهایت سریال تلویزیونی هفت سر اژدها به دلیل تازگی سوژه ها و طرح مسائلی که مردم امروزه با آن دست به گریبان بوده و از آن رنج می برند با نمایش موضوعات از نگاهی جدید، مخاطبان را به سوی خود جلب نمود.

[@totayar.ir](https://www.totayar.ir) اینستاگرام [@sayes_man](https://www.sayesman.ir)

@totayar سروش و ایتا و آی گپ

تلفن: ۷۷۸۴۹۸۴۹

www.totayar.ir

www.sayesman.ir

تزئینات سنتی ماه مبارک رمضان

جوامع در مصر خیابان ها را با فانوس هایی با نامی خاص برای گرامیداشت ماه رمضان تزئین می کنند. این فانوسها فضایی دلپذیر را ایجاد می کنند که نماد وحدت و سعادت است.

بازارها و مغازه ها در جوامع مسلمان با چراغ های خیره کننده تزئین شده اند. در مکان های عمومی تابلوهای خوش آمدگویی، بند و تزئینات جشن وجود دارد. برخی خانواده ها زیورآلاتی به شکل ماه و ستاره آویزان می کنند. عموماً مردم قبل از فرا رسیدن ماه رمضان خانه های خود را تمیز و تزئین می کنند. مانند هفته گذشته در ایران شاهد افزایش تزئینات برای جشن عید بودیم که فرصت شادی برای همه است. خانواده ها بسته بندی و هدایایی زیبا می خردند و برای پذیرایی از خانواده و دوستان تدارکات ویژه ای انجام می شود.

رمضان زمان مناجات و عبادات خاصی برای مسلمانان است. اما این فرصت را نیز به آنها می دهد تا در جشن تنوع فرهنگ های خود، شادی، هیجان و اتحاد را ابراز کنند. رمضان یک تجربه جهانی است که مؤمنان از سراسر جهان در آن شرکت می کنند تا زیبایی ایمان اسلامی و عظمت خداوند را اثبات کنند.



مردم ترکیه باقلوا را برای افطار یا در عید خاص مصرف می کنند. پیدیسی تازه پخته شده نیز یکی از بهترین غذاهای مورد علاقه است که با قهوه ترک میل می شود. در ازبکستان، پاتیر، یک نان ترد و کره ای که در تنور سنتی پخته می شود و در ماه رمضان میل می شود. حریره، یک غذای مانند سوپ از مراکش، و نان بریوش مانند به نام معاروک در سوریه نیز ذائقه روزه داران را در ماه رمضان به وجد می آورد.

سایر آداب و رسوم ماه مبارک رمضان

سنت های رمضان در سراسر جهان به فضای پر جنب و جوش در جوامع در طول ماه باشکوه می افزاید. یکی از رسوم رایج در کشورهای مسلمان، اعلامیه ای است که در وقت سحری برای بیدار کردن مردم برای سحری اتفاق می افتد. در پاکستان، جوانان به صورت گروهی در اطراف خانه ها می گردند و با خواندن جملات الهام بخش، مردم را تشویق می کنند که به موقع از خواب بیدار شوند. در برخی مناطق، مردم برای انجام همین کار بر طبل می کوبند یا دعا می خوانند. برخی از این افراد لباس سنتی و کلاه می پوشند. برای مثال، طبل زنان ترکیه لباس سنتی عثمانی، از جمله فاس و جلیقه می پوشند.

یکی دیگر از بخش های فرهنگ ماه مبارک رمضان، تعیین وقت افطار است. شلیک توپ برای اعلام زمان افطار در سوریه. در برخی از کشورهای دیگر مانند پاکستان، آژیرهای نصب شده توسط شوراهای محلی، شروع زمان افطار را اعلام می کند. مساجد نیز فرا رسیدن زمان افطار را با بلندگو و به دنبال آن اذان اعلام می کنند.

در حالی که یک آهنگ سنتی محلی می‌خوانند، شیرینی جمع می‌کنند. شعاری است در عربی که می‌گوید به ما عطا کن تا خداوند به تو پاداش دهد و به تو کمک کند تا خانه خدا در مکه را زیارت کنی. اکنون، این سنت در سراسر کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس جشن گرفته می‌شود و اهمیت پیوندهای اجتماعی قوی و ارزش‌های خانوادگی را برجسته می‌کند.

سحر خیزان در شهر مراکش برای نماز می‌خوانند:

در طول ماه رمضان، یک فرد - بنام یک فریاد شهر - در اطراف محله مراکش پرسه می‌زند و لباس سنتی گاندورا، دمپایی و کلاه به تن دارد و بوق می‌زند تا خانواده‌ها را برای سحری بیدار کند. مردم یک نفر را برای صداقت و همدلی او انتخاب می‌کنند. این سنت به قرن هفتم بازمی‌گردد، زمانی که یکی از اصحاب حضرت محمد «ص» در سحرگاهان در خیابان‌ها پرسه می‌زد و مناجات آهنگین می‌خواند.

مراسم پاکسازی ماه رمضان در اندونزی:

پادوسان (به معنی حمام کردن) یک سنت اندونزیایی است که در آن مسلمانان در روز قبل از ماه رمضان مراسم مختلفی را برای «پاکسازی» خود انجام می‌دهند. ولی سونگو، اولین مبلغانی هستند که تعلیمات اسلامی را از طریق جاوا منتقل کردند. اعتقاد بر این است که آنها اولین کسانی بودند که سنت پادوسان را گسترش دادند.

شلیک توپ برای افطار در سوریه:

گفته می‌شود که این سنت که به عنوان «مدفا الافطار» شناخته می‌شود، بیش از ۲۰۰ سال پیش در مصر آغاز

مصری‌ها فانوس رنگارنگ روشن می‌کنند:

در طول ماه رمضان، مصری‌ها خیابان‌ها را با فانوس‌های فانوس تزئین می‌کنند که در طول ماه مبارک نور می‌افزایند. این فانوس‌ها نماد اتحاد و شادی هستند. داستان‌های منشأ فانوس‌های مصری متفاوت است. یکی می‌گوید که در روز پنجم رمضان سال ۳۵۸ هجری قمری (۹۶۹م) خلیفه فاطمی معز الدین الله برای اولین بار وارد قاهره شهری که لشکر او تأسیس کرده بود می‌شد. هنگامی که او بعد از غروب می‌آمد، ساکنان به طور دسته جمعی با شمع‌هایی که آنها را در قاب‌های چوبی پناه می‌دادند تا از خاموش شدن آنها جلوگیری کنند، به استقبال او آمدند و ورود او را جشن گرفتند. بعدها این سازه‌های چوبی تبدیل به فانوس‌های طرح دار شدند.

نوازندگان طبل سحر را در ترکیه اعلام می‌کنند:

مانند بسیاری دیگر از کشورهای خاورمیانه، بیش از ۲۰۰۰۰ طبل نواز تمام شهرهای ترکیه را پرسه می‌زند تا مسلمانان را برای سحری بیدار کنند. «داولکوسو» رمضان لباس سنتی عثمانی، از جمله فس و جلیقه می‌پوشد. اخیراً مقامات ترکیه کارت عضویتی را برای نوازندگان طبل معرفی کرده‌اند تا حس غرور را در کسانی که می‌نوازند القا کنند و نسل جوان را تشویق کنند تا این سنت دیرینه را در این کشور در حال تغییر زنده نگه دارند.

کودکان در امارات برای شیرینی می‌خوانند:

یا آنچه ما آن را نسخه مسلمان ترفند یا درمان می‌نامیم. سنت حق اللیله در روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ رمضان برگزار می‌شود. این سنت در بحرین آغاز شد، جایی که کودکان

رمضان در رسانه های عربستان

ماه مبارک رمضان، زمان تأمل، فداکاری و جشن برای مردم سراسر جهان است. در عربستان سعودی و امارات متحده عربی، این ماه با افزایش برنامه‌های تلویزیونی و پلتفرم‌های OTT، با محتوایی که هدف آن سرگرم کردن و آموزش، مخاطبان در هر سنی است، مشخص می‌شود. ماه رمضان زمانی است که خانواده‌ها دور هم جمع می‌شوند و از همراهی یکدیگر لذت می‌برند و برنامه‌های تلویزیونی و درام‌هایی را که مخصوص این مناسبت ساخته شده‌اند تماشا می‌کنند.

در طول ماه رمضان، تلویزیون منبع اصلی سرگرمی برای بسیاری از خانواده‌ها در عربستان سعودی با ۹۷ درصد است. شبکه‌های پخش برنامه‌های ویژه‌ای را برای پاسخگویی به تقاضا ارائه می‌دهند. این شامل سریال‌ها (۵۳ درصد سهم بازار)، برنامه‌های اجتماعی (۱۸ درصد سهم بازار)، برنامه‌های مذهبی (۶ درصد سهم بازار) و پخش زنده نماز از مساجد سراسر کشور است. گروه‌های درصد سهم بازار، *MBC* (۴۸ درصد سهم بازار) تلویزیونی محبوب مانند تلویزیون سعودی (۲۰ درصد سهم بازار) و روتانا (۹ درصد سهم بازار) به دلیل تولیدات باکیفیت ماه رمضان که اغلب هر شب میلیون‌ها بیننده را جذب می‌کنند، شناخته شده‌اند. برنامه‌های تلویزیونی تولید محلی در میان سعودی‌ها محبوبیت دارد. برخی از آنها مانند «العصوف»، «شباب بمب» و برنامه‌های دیگر با ماه مبارک رمضان همراه شد. علاوه بر این، درام‌های خلیجی به عنوان یک جزء ضروری برنامه تلویزیونی سالانه رمضان در عربستان سعودی در نظر گرفته می‌شود.

شد، زمانی که این کشور توسط فرمانروای عثمانی، به نام «خوش قدم» اداره می‌شد. قدم هنگام آزمایش یک توپ جدید در غروب آفتاب، به طور تصادفی آن را شلیک کرد. صدا در سراسر قاهره طنین انداز شد. این امر بسیاری از غیرنظامیان را بر آن داشت تا تصور کنند که این راه جدیدی برای پایان روزه است. بعدها کشورهای دیگری مانند سوریه و لبنان این سنت را پذیرفتند.

نویسنده: فاطمه محمودی



رو به افزایش بوده است.

منطقه‌ای مانند OTT با این حال، با افزایش پلتفرم‌های درصد در عربستان سعودی و ۲۸ درصد ۳۶ درصد) **Shahid** امارات متحده عربی استفاده در ماه رمضان، چشم‌انداز سنتی تلویزیون به سرعت در حال تغییر است. این پلتفرم‌ها مخاطبان جوان و آگاه به فناوری را جذب می‌کنند که به دنبال محتوای درخواستی متناسب با نیازها و ترجیحات خود هستند. در ماه رمضان، این پلتفرم‌ها طیف متنوعی از محتوا و مهمتر از آن، امکان پیگیری محتوای از دست رفته تلویزیونی را ارائه می‌دهند که می‌توان آن‌ها را در هر زمان و به طور خاص بعد از افطار بین ساعت ۱۹ تا ۲۲ تماشا کرد.

یکی دیگر از روند محبوب در ماه رمضان در عربستان سعودی و امارات استفاده از رسانه‌های اجتماعی برای به اشتراک گذاری محتوا و تعامل با دیگران است. ساکنان هر دو کشور از پلتفرم‌هایی مانند توئیتر، اینستاگرام و یوتیوب برای به اشتراک گذاشتن تجربیات خود، ارائه مشاوره و راهنمایی و انتشار پیام‌های امید و الهام استفاده می‌کنند. این پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی روشی منحصر به فرد برای ارتباط افراد و به اشتراک گذاشتن افکار و احساسات خود در طول ماه مبارک ارائه می‌دهند.

نویسنده: فاطمه محمودی



در امارات متحده عربی، رفتار تلویزیونی و رسانه‌ای ماه رمضان بین مهاجران محلی اماراتی و عرب متفاوت است. اماراتی‌های محلی وابستگی شدیدی به نمایش‌های سنتی ماه رمضان دارند که نشان‌دهنده آداب و رسوم و فرهنگ آنهاست. به عنوان مثال، برنامه تلویزیونی اماراتی «شعبیات الکارتون» در سمانه یکی از پرمخاطب‌ترین برنامه‌ها در ماه مبارک است. این نمایش به شدت با ماه رمضان مرتبط است و حول موضوعات خانوادگی و اجتماعی می‌چرخد که ارزش‌ها و باورهای محلی امارات را منعکس می‌کند. علاوه بر این، شبکه‌های رسانه‌های محلی مانند تلویزیون ابوظبی (۱۵ درصد سهم بازار)، تلویزیون دبی (۱۵ درصد سهم بازار)، سما دبی (۱۲ درصد سهم بازار)، تلویزیون العمارت (۱۰ درصد سهم بازار) و تلویزیون شارجه (۶ درصد از بازار) به اشتراک بگذارید) محتوایی ایجاد و تبلیغ کنید که فرهنگ، آداب و رسوم و سنت‌های اماراتی را در ماه رمضان برجسته کند.

برای مهاجران عرب، بیننده تلویزیون در ماه رمضان به طور قابل توجهی افزایش می‌یابد (از ۳ ساعت و نیم قبل از ماه رمضان به تقریباً ۵ ساعت در طول ماه مبارک)، زیرا بسیاری از مردم زمان بیشتری را در خانه با خانواده و دوستان خود می‌گذرانند. مهاجران عرب طیف وسیعی از گزینه‌های مربوط به تلویزیون و رفتار رسانه‌ای ماه رمضان را دارند. آنها تمایل دارند از بین برنامه‌هایی که به صورت محلی در امارات متحده عربی، از کشورهای خود یا در شبکه‌های سهم) **MBC ۱** تلویزیونی پان عرب پخش می‌شوند، با بازار ۱۷ درصدی، تلویزیون ابوظبی (۱۷ درصد سهم بازار) و تلویزیون دبی (۱۷ درصد) انتخاب کنند. سهم بازار) پربیننده ترین کانال تلویزیونی است. محبوب‌ترین درام‌های عربی در ماه رمضان تولیدات مصری، سوری و خلیجی است و در چند سال گذشته سهم تماشاگران سریال‌های سوری-

برخی مدت زمان زیادی را نه تنها می مانند که حتی در فکر این می روند که در طول سال قدرت خود را بالا ببرند تا بتوانند در زیر آب بمانند. زیرا برای خود هدف ساخته اند و آن هدف دیدن ماهی های زیر آب است. این انتخاب به نحوی بزرگ میشود که مبدل به یک غواص خواهد شد و تمام زندگی خود را با آب و آبزیان سپری کند. اما در طرف دیگر چه اتفاقی میفتد؟ تا مدت زمان کوتاهی آب تحمل می شود و ناخودآگاه جدا شدن از فضای آب اتفاق میفتد. یعنی تو با آب باش من می روم بسمت جنگل. و این گونه یکی در زیست دیگری هیچ احساسی ندارد که از آن جدا شده و زیست دیگر را انتخاب نموده است. این جدایی سرا آغاز جملات پر تکراری است که مدام در جلسات مشاوره می شنویم. جملاتی از این دست: اگر می خواستم تنها باشم، چرا ازدواج کردم. دنبال آقا بالاسر بودم. من یکی و می خواهم که کنارم باشد. بهش تکیه کنم. با هم بریم. با هم بیاییم. این حس تنهایی یک مبدل به افسردگی است که یک خانم می تواند آن را با یک انتخاب نادرست تجربه کند. بهتر بگوییم اگر سعی کنیم در یک بخش مهم خودمان را بشناسیم که چه هستیم و چه می خواهیم. آغازگری بسیار خوبی است که بتوانید با تکنیکهای درست نه مستقیم جوابتان را از طرف مقابلتان چه پسرها و چه دخترها بگیرید

بله یک درس از این گفتار این است که آقا پسر مثلاً پسر بدی نیست اما بدرد شما نمی خورد. هر کدامتان می توانید جداگانه زندگی خوبی داشته باشید.

تا شماره بعد ماهنامه شما کمی در این موضوعات بیاندیشید که چه اختلاف دیگری به وجود می آید؟ تا ادامه این بحث را بخوانید و بدانید ...

نویسنده: دکتر یاسر اصلانی

لحظه ای با دکتر: چگونه انتخاب کنیم؟ مشاوره قبل از ازدواج «۲»

در ادامه بحث انتخاب در ازدواج به این پرسش پاسخ می دهیم که چه اشکالی دارد؟ پسر نگاهش آنطور باشد که گفته شد. کجا این نگاه می تواند دردسرساز باشد؟ آیا ایرادی دارد که یک پسر بخواهد در شهر و روستای خودش سرمایه گذاری کند؟ این یک انتخاب خوب اقتصادی است، چرا نگاه بد باید بکنیم؟ چه ایرادی دارد؟ پاسخ در اینجا است که تفاوتها باید مدیریت شود؛ ولی اگر هر کسی دو دنیای متفاوت بسازد که دیگری نتواند وارد آن شود، مشکل شروع میشود.

نگاه متفاوت به وطن خود آغاز یک داستان رمانتیک یا با موضوعی واقعگرایانه است. یعنی کسی که مفتخر به اهل تهران بودن است و تهران را شهر رویایی بیندارد، تفاوت فاحشی با کسی دارد که تهران را شهری شلوغ و خراب شده بخواهد معرفی کند. با این تفاسیر شما بگویید آیا عاشق تهران می تواند در یک خراب شده زندگی کند؟ مسلماً خیر.

اگر مدعی شود که مشکلی ندارد یک عدم تطبیق مدام در هر لحظه او را اذیت می کند. این سر آغاز تضاد و تناقض و تعارض هایی می شود که روانشناسان آن را مایه ی اختلاف اساسی می دانند. به نحوی که دیگر کسی قادر به ادامه آن راه نیست. شاید ابهام داشته باشید که چرا نمی تواند ادامه دهد؟

پاسخ در این نکته نهفته است که توان هر فرد در سازگاری مقدراری است. دقیقاً مانند نگه داشتن نفس در زیر آب

آگاه کند که شاید بتوانند به دادش برسند. پس توجه به آن چیزی که غیب است و دیده نمی شود نکته اول این مراقبت است.

مراقبت معنوی توسط روحانیون باید با انگیزه باشد پیوند زندگی با اعتقادات عبادی همراه با لحن خوب در عملکرد مهم است. این مسأله انقدر مهم است که رویکرد علمی را نفی نکنیم و کار را همزمان پیش ببریم. به نحوی که حال و هوای روحانی را به سطحی برسانیم که سایر متخصصان در تیم مراقبت های بهداشتی، مراقبت معنوی و تغذیه روحی را درک کنند که فرد نیازمند رهبری روحی و روانی به طور روشمندی است که از پیش طراحی شده است و اصلاً تصادفی نیست و مراحل محاسبه شده دقیق دارد.

پوچالسکی در تعریفی از مراقبت معنوی، جنبه فیزیکی را نیز لحاظ کرد. او توضیح می دهد که مراقبت معنوی شامل خدمت به کل ابعاد یک شخص است که جنبه های فیزیولوژیکی، عاطفی، جامعه شناختی و معنوی را در بردارد (۲۰۰۱، ص. ۳۵۲). البته پرسش این است که اگر در زمانی مراقب علمی نباشد، امکان پذیر است؟ که تلویحا می توان جواب خیر به آن داد.

رویکرد پوچالسکی در مورد این موضوع تاکید کرد دارد که به ردیابی تاریخ معنوی بیماران به منظور درک کامل آنان باید اهمیت داد. نکته ای که مستلزم فهم سطح ایمان یا اعتقادات فرد است.

یک مراقب معنوی نیاز به انجام ارزیابی و مستندسازی دارد تا یافته های مربوط به در مراقبت معنوی از صرف مکانیکی عمل کردن خارج شد و با حضور احساسی و فیزیکی فراتر از اکنون رفت. مثلاً کسی که نیاز به توجه دارد را از منطقه ناخوشایند روحی خارج کنیم.

مراقبت معنوی چیه دکتر؟

مراقبت معنوی در یک محیط بالینی نیازمند به پیروی از یک رویکرد منطقی است که می تواند علمی و دینی باشد. هم برای جویندگان مراقبت و هم برای افراد درگیری با بیماری این صدق می کند. تیم مراقبت های بهداشتی باید بر اساس روش شناسی خدمتی روحانی در موقعیتهای است که اعضای تیم را قادر باشند موضوع را بفهمند

مدل مراقبت معنوی توصیه شده در اینجا یک دعوت روحانی با آداب خاص خود است. قصد ما به عنوان رهبری روحی نشان دادن این نیست که باید چندین کتاب مذهبی خواند و مانند عیسی «ع» و امام علی «ع» مرده را زنده کرد.

در این مدل سیستم حمایتی متمرکز بر سلامت روانی-اجتماعی-معنوی است که باید توسعه داده شود. باید نشان داد که تلاش مشترک مورد نیاز برای التیامبخشی هدف همه اعضا است. به نحوی که با ادبیات خاص دینی که این مدل مراقبت از آن پیروی می کند به دنبال تجهیز افراد به مانند روحانیون هستیم که خبر و اطلاعاتی از دنیای غیب دارند و به این ابزار مجهزند و مهارت های استفاده از آن را یاد گرفته اند. شیوه ای که نه تنها به آنها کمک می کند تا با معنویت پیوند بخورند؛ بلکه جویندگان مراقبت را نیز به قدرتی سوق می دهد تا از دردهای خود بدون وابستگی به مراقبین رها شوند

برای نشان دادن این مورد از توجهات به غیب استفاده می شود. بهره مندی از همین دردی که بیمار با آن درگیر است و فقط می تواند با آه و ناله از آن صحبت کند. یعنی وقتی درد به سراغش می آید دیگران را با صدای آه

باری، معنویت صحبت از غیب و اعتقادات به مسائلی است که حتمی و قطعی هستند و ما با توجه به نیازهای فیزیولوژیکی که اساس بقای جسمی است از آنها غافل میشویم.

مسأله ای که معتقدیم باید با همین رویکرد عشق و عاشقی که در ذات آدمی نهفته شده است شروع شود و دامن بگستراند تا قطب جنینی متولد شود.

معنویت یک بعد اساسی از زندگی است، به نحوی که در بحث سامت روان روانشناسان در کنار رضایت مای صحبت از رضایت معنوی می کنند. یعنی یک حال خوب که لزوماً با پول به دست نمی آید. یک نگاه فرا جسمی که شادابی پوست و مو نیست. شادابی روان هم نیست. چون بخشی مجزاست. بعد مغفولی که در آدمی امروزه به دست فراموشی سپرده شده بود اما بگوییم به مصداق: عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد. بعد از بیماری کرونا بدان توجهی ویژه شد. وقتی با نوازش آهنگ در بیمارستانها به دنبال سرحال کردن و امیدواری بیماران بودند. وقتی در مناسک عبادی و اعتقادی مداحان در حیاط بیمارستان برای محدودیتهای موجود نزدیک نشدن به بیمار مداحی کردند تا حتی گریه و تخلیه روانی سبک بالی را رقم بزنند که با خود امید به زندگی می آورد. البته نگاهی بد نیز در این وادی شنیده میشود که می گویند گریه افسردگی است که صدالبته باید گفت چه گریه ای؟ گریه برای از دست دادن مال؟ نه اصلاً اینطور نیست گریه ای که در آخر شادی آدمی بدان میرسد از ذوق زدگی یا سرخوشی. نویسنده: دکتر یاسر اصلانی

می تواند این فرایند مانند پزشکان غیرروحانی پیروی از یک روش سیستماتیک باشد مانند به داستان بیماران خود گوش دادن تا موارد مربوطه را شناسایی کنید. تاریخ و دغدغه های کنونی بیماران را برای علائم زیر مشاهده کنید.

علائم دیگری که ممکن است بیمار به آنها اشاره نکند یا نگوید حتی آگاه بشوید. داده هایی را که برای تعیین وضع آنها مهم است، جمع آوری و ارزیابی کنید.

ماهیت دقیق نگرانی های فعلی تعیین کننده ی آن است که اکنون و حالا چه چیزی می توان به عنوان مداخلات درمان معنوی برای کمک به بازگشت سلامت بیمار کمک کند.

در ارائه مراقبت معنوی وقتی فردی به دنبال خیر و مفید بودن بوده است باید با آنها ابراز همدردی کرد تا در ادامه زندگی به فکر برآورده شدن آنها بکند و بدین ترتیب امید به زندگی در او متبلور می شود. قسمتی از احساسش را برآورده کنیم وقتی او در اوضاع خوبی نیست تا به نگرشی نو از کسب این دستاورد دعوت به معنویت را بپذیرد و از این مراقبتهای پیروی کند.

باید بدین نحو اعتماد به نفس آنها افزایش یابد تا نیاز به ارتباط و زنده ماندن در بیمار متبلور شود. انسانها به طرق مختلف این مبنا را توسعه می دهند که یکی از آنها مدل مراقبت معنوی عشق است. یعنی مگر تو فرزندت را دوست نداری بخاطر بچه مبارزه کن. بخاطر پدرت و مادرت. انگیزه ای که توجه به کسانی است که حتی اکنون وجود خارجی ندارند مانند فرزندی که بعدها به دنیا خواهد آمد.

Poetry is a form of media and today the battle is the battle of the media



In the Name of God, the Compassionate, the Merciful

All praise is due to God, Lord of the Worlds, and peace and greetings be upon our Master, Muhammad, and his pure progeny, and may God's curse be upon all their enemies.

The image that I had and have in my mind today regarding poetry, and I mentioned this last year as well, became clearer and more defined this evening. Praise God, poetry in our country is truly advancing and reaching its peak, not just in terms of quantity, but also in quality. This should be appreciated and pursued.

I would like to address a few points. Firstly, poetry is a medium. In today's world, challenges and conflicts are carried out through the media. While rockets, drones, airplanes, war tools, etc. are effective in pushing back the enemy, it is the media that leaves the most profound impact by influencing hearts and minds. It is a media battle. Whoever possesses a stronger

media presence will be more successful in achieving their goals — in any goal they're pursuing.

So, that is what needs to take place regarding our poems and poets. The poetic heritage of us Iranians is rare in the world. The reason why I don't say it is "unparalleled" is because I don't know about many of the other civilizations. As far as I am aware, our poetic heritage is unmatched, with perhaps the exception of Arabic poetry, which too holds great prominence and distinction. Therefore, our literary and poetic heritage, equips us with a powerful, effective, and influential media weapon.

The next point is that the impact of poetry is dependent on a certain condition and that is that poetry must be an art in the truest sense of the word. It should be created as a piece of art. We have certain works that are labeled as "poetry," but there is no or very little art in them. These are not impactful. Poetry should be a work of art.

In Farsi poetry, you can see for example that Hafez's poetry which is actually at the peak of our artistic poetry, leaves an impact on Goethe, Iqbal — individuals who are not even familiar with the Farsi language. Iqbal did not know Farsi. The renowned Iqbal, who has a collection of Farsi poems, had never studied Farsi, and his family did not know Farsi either. He became familiar with the Farsi language through the poems of Hafez and others like him. That is how he was able to write that detailed poetry book in Farsi. This is the effect of poetry. This is how artistic poetry leaves an impact. Or Goethe and the rest

of those whom you are completely familiar with [were similarly influenced].

So, what should we focus on the most if we want our poetry to be artistic? It's obvious: on body and spirit [of a poem], that is, on the words and theme. If the words we choose are weak and lack firmness, strength, and meaning, it is not possible to create a work of art. I sometimes read poems in certain newspapers. If a person reads the entire piece of poetry — which is a ghazal or whatever — they will get really angry by the end of it. The only impact it has is that it leaves you angry and bitter. The words have no artistic aspect.

And then you have the theme. The theme [of a poem] arises from both the topic and the quality of expressing the topic. If you happen to mention a topic, any topic, in a poem, but fail to mention it with a unique and impactful expression, it will not elevate your poem. Many of the topics that are in the poems of Saib or Kalim, who wrote in Sabk-e Hindi [Indian style in Persian poetry], are also in the poems of other poets. However, the quality of their [poets like Saib or Kalim] expression is such that it raises the level of poetry. Therefore, both finding [the right] theme and using a rich vocabulary are necessary.

Another point to consider is about the poem's message. We have chosen the theme and we have selected appropriate words for it, what is the message that we wish to convey to our audience? Now, imagine, for example, that some messages are made up of complaints about circumstances. Most of the long poems that have been composed

throughout history were like this. You will rarely find a poet who has not complained about the circumstances of the period they were in. Now some were intense, others were less intense. But this is not a message that has an important meaning or benefit for the audience. Sure, some of them might portray history to some extent, but it is just this much, nothing more. The thing that we have in mind, which is able to convey a good message [to the audience] is the message of religion, ethics, civilization, and Iranianness for us Iranians.

We have a multitude of messages. We have plenty to say. We have countless civilizational messages. Our religious knowledge, our moral knowledge, our Iranian knowledge, and the message of the courageous steadfastness of the Iranian nation are all things that can be transmitted. They should be conveyed as the message [of the poems]. Now, [for example,] one of the sources of credibility of the Iranian nation is its courageous stand against oppression around the world. In the face of tyranny and greed — currently embodied by the US, the Zionists, etc. — the Iranian nation expresses its position clearly, without consideration or reservation. This is a very important thing which is highly desirable worldwide.

When the political figures of our country, including some of our presidents and others, went to certain countries, now not so much with the governments of those countries, but rather during meetings with people in mosques and gatherings, their encounters ignited excitement among the people. I myself delivered a speech

in Pakistan (in January 1986), in front of thousands [of people]. Their president was also sitting there. This meeting was truly moving in the same way that a pulse beats and moves and it was due to the content that was being shared regarding the strength and steadfastness of the Iranian nation. And from what we have heard and have been informed about, the same thing was experienced by others as well. So, these things need to be conveyed. Our messages are: the message of steadfastness, the message of civilization, and the message of Islam.

This annual meeting that we have is very good. It is filled with blessings. There were prominent figures who brought repute to these meetings. The distinguished figures that were mentioned by these gentlemen would visit these meetings frequently. They would come and read poems. It is a good meeting. What I have in mind is that this meeting should not be ornamental. Now, we don't want to say that there is a poetry gathering in the Islamic Republic that is being held at this level. That is not the issue. We want this gathering to continue. We want it to help pursue the objectives that exist in the field of poetry. Poetry circles, associations, and gatherings should be established and these things that are now being raised in this meeting in one way or another — you might mention them in your poems or I might mention them in my talk — should continue.

I have a few good points written down here. One is about translation. We have performed poorly in terms of translation. Some famous Arab poets are well-known

in Iran, and everyone knows them because their poems have been translated into Farsi. However, our own poets' works are not widely known in Arab or non-Arab countries. Perhaps I am not fully informed, but to my knowledge, there is a lack of exposure of our poets in other regions. Why is this the case? These are exceptional poems and they deserve to be recognized by the international community.

As put by the poet: "Even the finest wine serves no purpose / As long as it is not poured into a goblet" (Saib Tabrizi). Your poems and your unique forms of expression need to be used in the world and in the minds of the public. Therefore, we need to start a movement in the field of translation to make this possible.

Translating poetry is distinct from translating prose. Poems, as you know, should usually be translated into prose, rather than into other forms of poetry. Some people have attempted to translate, for example, Rumi's poetry into Arabic, and we have seen that they have not been successful. I occasionally look through an Arabic translation of Rumi's *Masnavi* that I own. Abdul-Aziz Javaherkalam — the elder brother of the renowned Iraqi poet Muhammad-Mahdi Javaheri, who lived in Iran and had come to me and I had seen him — translated Rumi's *Masnavi*. Despite being a good poet, he couldn't [be successful in translating *Masnavi*].

Translating poetry into poetry is a challenging task. The late Sayyid Mahdi Bahrul-Uloom, a renowned scholar of the 13th century AH, undertook a pilgrimage

from Najaf to Karbala on foot when he became a marja [religious authority]. It was a tradition of ulama [religious scholars] in Najaf to walk from Najaf to Karbala at times [to make a pilgrimage]. He too undertook a pilgrimage to Karbala on foot, along with a few companions, at the start of his time as a marja. Despite being a poet in both Farsi and Arabic himself, he took along a few additional poets to accompany him on the pilgrimage.

It is an important point that this marja did not go on a pilgrimage from Najaf to Karbala without the company of three or four other poets. [On the way,] they arrived at a stopping place. He became tired. The other companions wanted to continue traveling, but he told them he couldn't continue and read this poem by Talib Amoli: "Wherever we reached it became our home from weakness / And wherever we trod it became green from our tears."

After reading this poem, the Arab poets with him inquired about its meaning, and he explained the poem to them. He then encouraged them to recreate the poem in Arabic. They translated Talib Amoli's original work, then made it poetic, and the result can be found in various books. Despite being outstanding poets, their Arabic translation fell evidently short of the original poem. The late Sayyid Mahdi Bahrul-Uloom also recreated the poem himself, which is also available in these books.

Poetry is not easily translatable into poetry; rather, it should be translated into prose that is poetic, eloquent, and powerful. Who

can do this? Someone who is fluent in both languages, and I believe the translator's mother tongue should be the target language of the translation. This is how it should be. I believe it is an important task and should be undertaken by the government. It is not for the general public to do, as it is quite challenging. Therefore, one of the recommendations I have is in the field of translation.

Another recommendation, which concerns the Ministry of Education and Edification, is to include poetry in school textbooks. Of course, the textbooks already do have some poetry in them, but the amount should be increased. Introducing poetry to children from a young age and continuing to emphasize its importance throughout adolescence can help them become well acquainted with it. Poetry plays a significant role in our civilization, culture, and teachings. Many of our teachings have been conveyed through poetry.

Another point that I have noted is the need to stimulate the literary memory of people and to cultivate more creativity in their minds and in the minds of the youth. The literary memory of our people is weak. They often struggle to recall poems accurately and in their proper context. Sometimes we hear incorrect recitations of poetry, even on television. We might see a television presenter recite a poem incorrectly which is very frustrating.

An old musician once told me that when some singers go out of the dastgah [modal system] that they are singing, it sounds like a nail being hammered into your ear. That

is how disturbing it is to hear. Similarly, reading a poem incorrectly can sometimes have the same effect. It is as though a nail is being hammered into your ear. This signifies the lack of people's familiarity with poetry. There are solutions for this issue which should be acknowledged in order for people to become familiar and more acquainted with poetry.

A recommendation that I have for our dear poets, especially the youth, is that you should take the time to study poetic pieces and the brilliance that exists within them. Now you probably read Hafez, Shahnameh, or Nezami's Khamseh, if you read them, but there's more. We have many poets who have truly composed masterpieces. Some of our Sabk-e Hindi [Indian style] poets, and Sabk-e Voghoo [occurrence style] poets have written poems that soar at the peaks of poetry. Sometimes their poems leave a person astonished by their exquisiteness. One is truly amazed by how beautiful, profound, eloquent, and meaningful they are.

They should be studied, as their poems, their creative forms of art, and the chronograms [dates incorporated into Persian texts in disguised form, especially those in which the letters of the alphabet have numerical value] mentioned by some, truly leave a person amazed. In the Old Courtyard of Qom [the holy shrine of Lady Masoumeh], also known as the Small Courtyard, there is an inscription called the "Miraculous Inscription." Each verse of this poem is a chronogram of the establishment of the courtyard. Apart from having chronograms in each verse, there are other intricate details

in the inscription that I cannot recall. It was a long time ago [that I learned about it]. For instance, when two verses are combined, it becomes something, but when three verses are combined, it becomes something else. These are very important.

The poem itself is very strong. It is not sloppy. It is a very good poem. There are two courtyards in the shrine [of Lady Masoumeh] in Qom. This poem is in the Old Courtyard of Qom — the courtyard with the golden Iwan [a rectangular hall or space, usually vaulted, walled on three sides, with one end entirely open] and dome — and it is inscribed on top of the Iwan. It is called the "Miraculous Poem" and it truly is like a miracle. Our young poets should observe these as they show the power of a poet's words and meanings. Now, I am not saying everyone should move toward using chronograms, for example. Rather, I am asking you to pay attention to how skilled these poets were that they could produce and incorporate such powerful terms and meanings in their poetry within that limited structure [of chronograms]. This is very important. It is another point that I wanted to emphasize.

Another issue is the preservation of the Farsi language. I believe that Farsi is not receiving the attention and support that it deserves. While some efforts have been made recently by certain associations, much more needs to be done to strengthen and fortify the language. Farsi is a flexible language that has the potential to develop. Because it is a combinative language, it has beautifully crafted combinations, and allows speakers to effortlessly express any

concept without ever feeling at a loss for words. Any complex scientific concept, any delicate spiritual meaning, and any precise and exact notion can be expressed in Farsi, while they may be truly challenging to convey in some other languages. Some expressions [in Farsi] are not transferrable [to other languages] at all.

I once recited this poem somewhere: “I am glad that you passed by your rivals, your skirt trailing behind you / Even if a fistful of our dust has gone with the wind too” (Hazin Lahiji). How can “your skirt trailing behind you” be translated in Arabic? Say we are to translate this piece. I am fluent in Arabic, [but] how can this be translated? It cannot be translated. It is not possible to translate. However, the poet has beautifully expressed a very delicate, important meaning by using this phrase in the poem. We have these sorts of nuances in the Farsi language.

We are starting to neglect the Farsi language. Now, unfortunately, there has been a rise in the influx of foreign languages, particularly European and Western languages, notably English. These languages are being used excessively. In my opinion, the opposite should be practiced. Farsi equivalents should be promoted. We have changed “helicopter” to “balgard” which is both nicer and easier to utter than the word “helicopter.” It is both Iranian and it conveys the meaning of the object. Of course, the Afghans had used the term “charkhbal” [for helicopter], which was not correct. “Balgard” is better than “charkhbal.”

We do these things [creating equivalents] a lot. A few people had sent some notes to me for tonight’s meeting. In Mr. Feyz’s note, I saw a word which I really liked — “Rayaneh-Sepehr.” I don’t know who made this up, but it’s lovely! He used the term “Rayaneh-Sepehr” in place of “cyberspace.” There are many such examples and they should not seem strange to you. Once you get used to them, you realize that they are actually very nice.

I believe that this should also occur and I hope that our friends will be able to pursue it. That is, they should not allow the volume of foreign words to become more proliferated than this in the Farsi language. They should reduce it a bit and give the Farsi language some refinement in order to make it a pure Farsi language, God willing.

In any case, tonight was a lovely evening. We hope that, God willing, all our friends will achieve success. For those whose poetry we did not have the pleasure of hearing, we hope to have the opportunity to listen to their poetry in future.

May God’s greetings, mercy, and blessings be upon you



*Leap production with
people's participation*

**sayes
man**

@sayesman